

جوان و جوانی

مترجم:
محمد جمالزهی

این کتاب از سایت کتابخانه‌ی عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.shabnam.cc

www.kalemeh.tv

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.zekr.tv

www.mowahedin.com

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.nourtv.net

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

- جوان! تو کیستی؟ از کدام گروه هستی؟ ۳
- تو از کدام گروهی؟ ۳
- جوان و جوانی، اسباب انحراف و گمراهی ۷
- اسباب انحراف و گمراهی جوانان ۹
- وقفه ۹
- راه نجات، راه برگشت بسوی خدا ۱۰
- برای چه آفریده شده‌ای؟ ۱۱
- تأخیر در توبه، راهی که باید پیمود ۱۳
- سفری که باید انجام شود ۱۵
- قبل از پشیمانی - راه سعادت ۱۶
- معالجه وسوسه‌ها و تردیدها - محبت خدا ۱۹
- اسباب محبت خدا ۲۱
- نعمت‌هایی فراوان و سپاسگذاری از آنها ۲۲

- ۲۲ نعمت اسلام
- ۲۳ نعمت قرآن
- ۲۳ نعمت سنت
- ۲۳ نعمت عقل
- ۲۴ نعمت اعضاء و جوارح
- ۲۴ نعمت مال
- ۲۴ یک جرعه آب مساوی با حکومت هارون الرشید:
- ۲۵ نماز ستون دین است
- ۲۶ نماز جماعت
- ۲۶ منکراتی که باید از آنها دور جست

جوان! تو کیستی؟ از کدام گروه هستی؟

برادر جوان!

آیا خودت را می‌شناسی؟ آیا تاریخ وجود خود را می‌دانی؟ آیا نیاکان خود را می‌شناسی؟ مجد و عزت خویش را در چه می‌دانی؟

تو از سلاله‌ی بهترین و شریفترین انسانها؛ و از سلاله‌ی صحابه‌ی نیکوسیرت هستی، تو از نوادگان علی بن ابی طالب، اسامه بن زید، خالد بن ولید و عبدالله بن عمر و عبدالله بن عباس و مصعب بن عمیر و بزرگان دیگری، از جوانان صحابه‌ی اطهار. تو کسی هستی که تاریخ را تغییر داده و توحید را در جهان نشر نموده است. تو کسی هستی که به طاغوت‌های جهان درسی دادی که بعد از چهارده قرن هنوز آنرا فراموش نکرده‌اند.

تو کسی هستی که پرچم عزت را بلند و خود را فدای دین نمود. بهترین سلام و درود بر جوانان که گنجینه و خزانه‌ی گرانبهای ما هستند همانگونه که اصحاب محمد ﷺ جوانانی شامخ و سند افتخار دین بودند.

تو از کدام گروهی؟

اما گروه بازنده (جهنمی): در آتش و عذابند غذایشان زقوم و نوشیدنی شان آب داغ است.

خداوند می‌فرماید:

﴿لَا يَفْقَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمْ
الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾ وَنَادَوْا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِثُونَ ﴿٧٧﴾
لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ﴿٧٨﴾﴾
[الزخرف: ۷۵-۸۷]

«هرگز عذاب آنها تخفیف نمی‌یابد و در آنجا از همه چیز مأیوس و ناامید هستید،
ما به آنها ستم نکردیم آنها خود ستمکارند آنها فریاد می‌کشند ای مالک دوزخ ای
کاش! پروردگارت ما را بمیراند (تا آسوده شویم). می‌گوییم: شما اینجا ماندنی
هستید ما حق را برای شما آوردیم ولی بیشتر شما از حق کراهت داشتید».

همچنین خداوند می‌فرماید:

﴿تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾ أَلَمْ تَكُنْ عَائِي تَنُتَلَّى
عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا
وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ
أَخْسَوْا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾﴾ [المؤمنون: ۱۰۴-۱۰۸]

«شعله‌ی سوزان آتش همچون شمشیر بر صورت‌هایشان نواخته می‌شود و در دوزخ
چهره‌ی عبوس دارد، به آنها گفته می‌شود آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد؟ پس آن
را تکذیب می‌کردید، می‌گویند: پروردگارا! بدبختی ما بر ما چیره شد و ما قوم
گمراهی بودیم، پروردگارا! ما را از این (دوزخ) بیرون آر، اگر بار دیگر تکرار کردیم
قطعا ستمکاریم، (خداوند می‌فرماید: دور شوید در دوزخ و با من سخن نگوئید».

آنحضرت ﷺ می‌فرماید: «جهنم را می‌آورند در حالی که هفتاد هزار لگام بر آن

است و با هر لگام هفتاد هزار فرشته که آنرا می‌کشند». (مسلم)

می‌بینی که تیمی بر تیم دیگر به پیروزی خوشنود شده و جشن می‌گیرند، اما
فلاح حقیقی از آن کسی هست که از جهنم نجات یافته و داخل بهشت شود،

خداوند می‌فرماید:

﴿فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ [آل عمران: ۱۸۵]

«کسی که از آتش جهنم دور شد و داخل بهشت گردید همانا او پیروز و به فوز رسیده است و زندگی دنیا جز کالای فریب نیست».

همانگونه که در دنیا دو گروه با هم مسابقه و بازی می‌کنند و در پایان یکی به عنوان پیروز میدان معرفی می‌شود. در رسیدن به فلاح و رستگاری آخرت نیز گروه‌هایی مسابقه می‌دهند که آنها بازی نمی‌کنند و مسابقه حقیقی همان است که نتیجه آن را خداوند چنین اعلام می‌فرماید: ﴿فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾ [الشوری: ۷].

گروه پیروز (بهشتی): در نعمت‌های همیشگی اند؛ و نعمت‌هایی که نه چشمی آن‌ها را دیده و نه گوشی شنیده و بر قلب و ذهن و اندیشه‌ای خطور نکرده است. خداوند می‌فرماید:

﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۷]

«هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌های مهمی که مایه‌ی روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند!». و نیز می‌فرماید:

﴿أُدْخِلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ﴾ ۷۰ ﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصَحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ۷۱ ﴿وَلِلَّكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ ۷۲ [الزخرف: ۷۰-۷۲]

«همان کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند به آنها خطاب می‌شود، شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید (این در حالی است که) ظرف (غذا) و جامهای طلایی (شرابا طهورا) را گرداگرد آنها می‌گردانند و در آن (بهشت) هر آنچه نفس اشتها می‌کند و چشمها از آن لذت می‌برد موجود است و شما همیشه در آن خواهید ماند، این بهشتی است که شما به سبب آنچه انجام داده اید وارث آن می‌شوید».

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «در بهشت درختی است که اگر سوار کار ماهر و چابک و سریع السیر بتازد صد سال طول می‌کشد تا به انتهای آن برسد».

این فقط یک درخت چنین عظیم و گسترده ایست که مسیر صد ساله‌ی چابک سوار می‌باشد.

آنحضرت ﷺ می‌فرماید: «چون اهل بهشت وارد آن می‌شوند منادی ندا می‌دهد برای همیشه در اینجا زنده بمانید و هرگز بر شما مرگ و فنا نمی‌آید، سالم و تندرست باشید مریضی بر شما عارض نمی‌شود و اینجا جوان بمانید و پیری بر شما طاری نمی‌شود و در نعمت ناز باشید و فقر و ناداری به شما نمی‌رسد». (مسلم)

آیا نعمت دیگری بعد از این نعمت وجود دارد؟

آیا پیروزی و رستگاری بعد از این پیروزی وجود دارد؟

آری! زندگی جاوید و ابدی، صحت و سلامت دایمی، جوانی که تغییر نمی‌پذیرد. نعمت‌هایی که فنا نمی‌شود و...

خدایا ما را به سلامت بدار! خدایا ما را سلامت بدار! .. خدایا بر ضعف و ذلت و خواری ما رحم کن و ما را از این مصیبت سالم بدار!.

جوان و جوانی، اسباب انحراف و گمراهی

برادر جوانم! به خودت بنگر، و اعمالت را بررسی کن و سپس خود قاضی باش و بر نفس خود قضاوت کن که از کدام یک از این دو گروهی؟
آیا از جوانان هدایت یافته و مؤمن هستی؟ کسانی که به خدا و روز قیامت و ملائکه و کتابهای آسمانی و پیامبران ایمان دارند؛ ایمانی که آنها را به انجام اعمال نیک هدایت کند و از منکرات باز دارد؟.

آیا از جوانانی هستی که تنها خدا را می‌پرستند و برای او شریکی نمی‌گیرند؟
آیا از جوانانی هستی که تابع دستور پیامبر ﷺ در گفتار و کردار هستند؟
آیا از جوانانی هستی که نماز را بر پا می‌دارند و زکات مال خود را می‌پردازند و روزه ماه رمضان را می‌گیرند، و حج بیت الله الحرام را به بهترین نحو انجام می‌دهند؟
آیا از جوانانی هستی که پایبند نصیحت اند و خیر خواه اوامر الهی و سنت رسول و همه تن مسلمان اند؟

آیا از جوانانی هستی که مردم را با حکمت و پند حکیمانه به سوی خدا دعوت می‌دهند .

آیا از جوانانی هستی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و صادقانه حرف می‌زنند و حق را قبول می‌کنند؟

آیا از جوانانی هستی که دارای اخلاق نیک و نفس کریم و قلوب پاک اند؟

اگر از این گروه هستی، همانا این گروه افتخار امت، و رمز حیات و سنبُل زندگی خوشبخت اند، آنان از خداوند امیدوارند که کجی و فساد مسلمین بوسیله‌ی آنها اصلاح شود و راه سالکین بوسیله‌ی آنها بازگشایی و منور گردد و سنت پیامبران بوسیله‌ی آنان زنده شود. اگر از این گروه هستی بشارت باد به تو پیروزی و کامیابی در دنیا و آخرت.

اما گروه دوم جوانان: جوانانی که عقیده‌ی انحرافی دارند و راه و روش آنان ناصحیح و غرورشان آنها را نابود کرده و شهوات بر آنها غالب شده است. جوانانی که، سرکش اند و حق را نمی‌پذیرند و دامن خود را از باطل بیرون نمی‌کشند.

جوانانی که، به ضایع شدن حقوق الهی و بندگان او پروایی ندارند. جوانانی که توازن فکری و قدرت تصمیم‌گیری را ندارند. جوانانی که، نه راه مسجد را می‌دانند و نه روزه و نه زکات دادن و نه راه حج را، مگر بنا بر حسب عادت و رسم چیزی انجام می‌دهند. جوانانی که، نصیحت قبول نمی‌کنند و بر حق متقاعد نمی‌شوند و رأی بجز رأی خود نمی‌شناسند و جوانانی که بر اخلاق بد و خوی نامتعارف خود ثابت اند و آن را خوب می‌پندارند. آنان در واقع بدترین اعمال را انجام می‌دهند و همت و سعی خود را در تلاطم زندگی طوفانی گم کرده اند، بد انجام می‌دهند و گمان می‌کنند که کار آنها نیک است.

دوست گرامی! اگر از این گروه هستی یا بعضی از صفات این جوانان را داری قسم به خدا که در راه خطرناکی قدم گذاشته‌ای و بیم آن می‌رود چون بمیری از گروه جهنمی‌ها قرار گیری.

اسباب انحراف و گمراهی جوانان

- ۱- اوقات فراغت (بیکاری): زهر کشنده‌ای است که فکر و عقل و نیروی جسمانی را نابود می‌کند و علاج این معضل این است که جوانان در تلاش کاری باشند، مطالعه، نوشتن، تجارت و هر کاری که مناسب با شخصیت آنها باشد و اوقات فراغت آنها را پر کند.
 - ۲- استفاده نکردن از تجربه‌ی بزرگان: علاج این مشکل پر کردن خلاء و فرجه مابین قشر جوان و مردان سالخورده است، و همه باور کنند که پیران و جوانان پیکره‌ی یک اجتماع هستند اگر عضوی از آن فاسد شود به همه اعضا سرایت می‌کند.
 - ۳- ارتباط با گروه منحرفین و دوستی با آنها: علاج این است که جوانان افرادی را برای دوستی انتخاب کنند که متدین و صالح و عاقل باشند.
 - ۴- خواندن کتاب‌ها و مجلات فاسد: که جوان را نسبت به دین و عقیده‌اش دچار تردید و شک می‌کند و علاج آن این است که از خواندن چنین کتابهایی پرهیز کند و به مطالعه کتابهای دینی روی آورد.
 - ۵- بدگمانی به دین اسلام: جوانان چنین فکر می‌کنند که اسلام مانع آزادی بوده، و به تهجر و عقب‌گرایی دعوت می‌دهد و مانع بین اجتماع و پیشرفت است این طرز فکر نتیجه‌ی عدم آگاهی و جهالت نسبت به دین اسلام است.
- علاج آن این است که جوان حقیقت اسلام را فرا گیرد و مزایا و محاسن آن را بشناسد.

وقفه

خواندن این دعا فقط ۱۵ ثانیه از وقت شما را می‌گیرد

«اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتَ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ بِذَنْبِي، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ

إِلَّا أَنْتَ».

ما را در دعا‌های خیرتان فراموش نکنید!

راه نجات، راه برگشت بسوی خدا

بسیاری از جوانان می‌گویند ما از گروه منحرفین هستیم! چگونه می‌توانیم پرهیزگار شویم؟ از کجا شروع کنیم؟

می‌خواهم بر راه راست و مستقیم حرکت کنم مرا راهنمایی کنید.

برادر جوان! برای پاسخ گفتن به این سئوالات باید بگویم راه واضح و روشن است و هر بینایی به راحتی می‌تواند در آن قدم بردارد، نوری است که وسط تاریکی می‌درخشد و کشتی نجات است که در مسیرش امواج هولناک وجود دارد. اما راه توبه (نجات): خداوند می‌فرماید:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۱].

«ای مومنین دسته جمعی بسوی پروردگار رجوع کنید شاید رستگار شوید».

و نیز می‌فرماید:

﴿وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ [الزمر: ۵۴]

«از بهترین دستورهای که از سوی خداوند بر شما نازل کرده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید و در حالی که از آن خبر ندارید».

آنحضرت ﷺ می‌فرماید: «خداوند درب توبه را از جانب مغرب قرار داده که عرض آن مسیر چهل سال راه است و تا مادامیکه خورشید از مغرب طلوع نکند درب آن بسته نمی‌شود». (ترمذی)

قسم به ذات پروردگار که این راه آسان و رفتن در آن راه هیچ سختی و مشکلی را در بر ندارد و انسان را به نعمت‌های ابدی و دایمی می‌رساند که هرگز از بین نمی‌روند.

حافظ ابن قیم می‌فرماید: «برای داخل شدن به بارگاه الهی و همجواری او شتاب کنید که دارالسلام آنجاست و هیچگونه خستگی و کوفتگی بر شما عارض نمی‌شود و آسانترین راه است».

بدین خاطر که تو در بین یکی از دو وقت قرار داری که در واقع عمر تو است. (وقت موجود) که بین وقتی که از دست تو رفته و وقت آینده قرار دارد.

آنچه گذشته آنرا با توبه و ندامت و استغفار اصلاح کن و این عمل برای تو خستگی ندارد و این کار دل است، و زمان آینده را مواظب باش تا آنرا با گناه آلوده نکنی این نیز برای تو خستگی را در بر ندارد؛ زیرا وابسته به اراده و نیت تو است. آیا این آسانی پروردگار را بر بندگان مشاهده می‌کنی و عدم تکلیف بر آنچه که توانایی ندارند، با این همه، لازم است که نیت راست و تصمیم قاطع باشد و برنامه‌ریزی به آنچه که برای دنیا و آخرت مفید است.

برای چه آفریده شده‌ای؟

برادر جوان! جستجوی جواب این سؤال از بهترین مسایلی است که مسلمان را بر قدم گذاشتن بر طریق استقامت و انابت بسوی او یاری می‌کند. زیرا خداوند ما را بیهوده و بدون هدف نیافریده است و ما برای هدفی عظیم که همانا عبادت خدا است به دنیا آمده ایم.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]

و عبادت تنها شامل بعضی اعمال تعبّدی مانند نماز، روزه و حج نمی‌شود بلکه همه زندگی فرد مسلمان را در بر می‌گیرد حتی به بعد از مرگ نیز می‌رسد.

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [۱۶۳] لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

«بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار

جهانیان است. همتایی برای او نیست؛ و به همین مأمور شده‌ام؛ و من نخستین مسلمانم».

نماز تو عبادت، روزه‌ی تو عبادت، صدقه، بخشش، حج و عمره، نیکی به پدر و مادر، حفاظت از چشم، طلب علم، آمادگی برای ازدواج، خوردن و نوشیدن و تلاش برای کسب روزی حلال و خواب را می‌توان در زمره‌ی عبادت‌ها قرار داد و این امتیاز دین اسلام بر سایر ادیان است.

آیا شایسته است خداوند بعد از این تو را جایی بباید که از آن نهی کرده و جایی که امر شده‌ای حاضر نباشی؟

آیا شایسته است مساجد از وجودت خالی باشند و استادیوم‌ها را آباد نگه داری؟
آیا شایسته است که کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ را ترک کنی و گوش‌هایت همواره با موسیقی پر باشد؟

آیا شایسته است که سنت مسواک را ترک کنی و بجای آن سیگار که مسواک شیطان است را به دهان بگذاری؟

آیا شایسته است که مجالس علم و ایمان را ترک کنی و همراه منحرفین در مجلس غیبت، سخن چینی و دروغ (بهتان) باشی؟

تأخیر در توبه، راهی که باید پیمود

ای جوان! اینک تو در عنفوان جوانی و بهترین لحظات عمر خود را سپری می‌کنی. بسیاری فریب جوانی خود را می‌خورند و می‌گویند اینک باید از جوانی لذت حاصل کرد و زمان پیری جبران می‌کنیم، این طرز تفکر به چند دلیل اشتباه است.

اولاً: طولانی بودن امیدها و آرزوها از آفات بزرگی است که چون سنگ بزرگ در مسیر توبه قرار می‌گیرد بنابر چه تضمینی می‌گویی اگر به سن پیری رسیدیم توبه و عبادت می‌کنم؟

ابن جوزی می‌فرماید: «بر انسانی که نمی‌داند چه لحظه‌ای در چنگال مرگ به دام می‌افتد لازم است که همیشه آماده باشد، فریب جوانی و سلامتی را نخورد زیرا بسا اوقات پیران از جوانان دیرتر می‌میرند».

دوم اینکه: جوان عزیز اگر خداوند به تو عمر طولانی عطا کند و جوانی را پشت سر بگذاری و به سن پیری برسی چه تضمینی وجود دارد که موفق به توبه شوی؟ بسا اوقات گناهان و معاصی چنان دل را کدر می‌کنند که انسان موفق به توبه کردن نمی‌شود و گاهی ممکن است توبه تا آنجا به تاخیر بیافتد که مرگ و اجل فرا رسد و انسان هنوز به دام گناه گرفتار باشد.

سوم اینکه: چه تضمینی وجود دارد که در آن حالت پیری توان و نیروی عبادت را داشته باشی در حالی که نیرو و نشاط جوانی را از دست داده‌ای. چون انسان به سن پیری می‌رسد صبر بر طاعت ندارد مگر کسی که خداوند بر او رحم کند.

استخوان‌ها ناتوان و پوک می‌شوند و چشمان ضعیف و گوشها سنگین می‌شوند تا آنجا که انسان توان ادای فرایض را ندارد و این جوانمردی نیست که فصل و دوران جوانی را به هوای نفس و شیطان بگذاری و دوران پیری و ضعف را به طاعت پروردگار.

چهارم اینکه: لذت و تمتع واقعی در انجام دادن گناه حاصل نمی‌شود بلکه در طاعت و اتباع امر پروردگار و اجتناب از منهیات ممکن است. لذت و شیرینی از کام کسی که آن را از طریق حرام حاصل نموده است از بین می‌رود فقط اثر گناه آن می‌ماند و در لذتی که پس آن آتش باشد خیر نیست.

ابو سلیمان می‌فرماید: «جواب پاکی با پاکی داده می‌شود و جواب تیرگی با تیرگی و کسی که در شب احسان کند روز جواب احسان و نیکی خود را دریافت می‌کند و کسی که روز احسان کند شب به آن احسان خود پاداش داده می‌شود».

پنجم اینکه: از جوانی خود سؤال می‌شوید که در چه راهی آن را فنا کرده اید. آنحضرت ﷺ می‌فرماید: «بنده روز قیامت قدم بر نداشته که از او پنج سؤال می‌شود، از عمرش که در کجا فنا کرده، از جوانی که چگونه آن را گذرانده است و از مال اش که از کجا کسب کرده و به کجا آن را مصرف نموده است و به علمی که داشته چقدر عامل بوده». (ترمذی)

و از هفت گروهی که روز قیامت زیر سایه‌ی عرش الهی قرار می‌گیرند «جوانی است که در عبادت خدا رشد کرده است».

ششم اینکه: بالفرض اگر در آخر عمر موفق به توبه و انابت شدی با این تاخیر درجه و مقام مقربین و صدیقین را از دست دادی، انسانی که همت پایین دارد از خواهشات نفس پیروی می‌کند و به عفو و بخشش توکل می‌کند.

سفری که باید انجام شود

برادر جوان: آیا هادم اللذات (از بین برنده‌ی لذت و شهوت) و مفرق جماعات (مرگ) را یاد کرده‌ای؟ آیا به شدت و سختی لحظه‌ی جان‌کندن اندیشیده‌ای؟
آیا روزی را که در جمع مردگان قرار می‌گیری را به یاد آورده‌ای؟
آیا روز مفارقت از دوستان، اهل و عیال و همسایگان را یاد می‌کنی؟
آیا تنگی قبر و تاریکی آن را می‌دانی؟
آیا وحشت و سختی قبر را یاد کرده‌ای؟
آیا عذاب قبر را یاد کرده‌ای؟
آیا به فکر کرم‌ها، عقرب و مارهای آن بوده‌ای؟
آیا به گرزهای آتشین آن روز اندیشیده‌ای؟
آیا به سؤال نکیر و منکر فکر کرده‌ای؟
آیا می‌توانی به آنها جواب صحیح دهی؟ یا به تو می‌گویند، بی‌جواب به قبر آمده‌ای.
برادر جوان: این سفری است که باید انجام شود هر چند که عمر طولانی باشد و به سال‌ها و روزهای متوالی بیانجامد، چه کسی تاکنون مرگ را از خود دفع کرده است؟

چه کسی ملک الموت را از خود رانده و ساعت مرگ خود را به تأخیر انداخته است؟ پس تکبر برای انسانی که طعمه‌ی کرم‌ها می‌شود چه معنی دارد چرا سر کشی؟

وقتی که خاک آخرین مکان و منزل توسست.

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ [آل عمران: ۱۸۵، الأنبياء: ۳۵، العنکبوت: ۵۷].

«هر نفسی (طعم) مرگ را می چشد!».

﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ [القصص: ۸۸].

«همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می شود».

قبل از پشیمانی - راه سعادت

برادر جوان: آیا از مردگان عبرت نمی گیری، آیا از عواقب کسالت و تنبلی پشیمان نمی شوی؟ افسوس بر آن غافلی که واقعیت مرگ را شوخی تصور می کند و غافلی که هر چه عمرش بیشتر می شود سقوط او وحشتناکتر می گردد.

ای جوان! هر انسانی به دنبال خوشبختی می گردد و راههای رسیدن به آن را جستجو می کند و برای از بین بردن موانع کوشش می کند ولی بسیاری از مردم خوشبختی را درک نمی کنند. بسیاری از مردم گمان می کنند خوشبختی در ثروت زیاد و داشتن قصر مجلل و ماشین/ موتر مدل بالا است، بعضی گمان می کنند در رسیدن به شهرت است و بعضی خوشبختی را در کسب مراتب می دانند و بعضی خوشبختی را در مسافرت و گشت و گذار و سفرهای خارجی و مشاهده دیدنی ها می دانند.

بعضی گمان می کنند خوشبختی در رسیدن به شهوات و لذات و انجام هر آنچه نفس اشتها می کند (بدون در نظر حرام و حلال) است. در واقع این ها حقیقت خوشبختی را نشناخته اند و قیمت و ارزش آن را نمی دانند؛ زیرا به ظاهر آن متوجه شدند و حقیقت خوشبختی را ترک کردند و به آنچه که فنا و نابود می شود دل بستند.

سعادت واقعی، آن است که بنده نیک پرورگار آن را احساس می کند.

خداوند می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّثِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۷].

«هر زن و مردی که اعمال صالح انجام دهد و مومن باشد حتماً به او زندگی پاک و طیب عنایت می‌کنیم و پاداش آن‌ها را بهتر از آنچه که عمل کردند می‌دهیم.»
هر چند انسان سرمایه و مال داشته باشد و از آنها استفاده کند و دارای زن، ساختمان، وسیله‌ی نقلیه و غیره باشد خوشبختی را احساس نخواهد کرد مگر اینکه با طاعت و فرمانبرداری خدا به این فلاح و پیروزی دست یابد.

الله بزرگ می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى﴾ [طه: ۱۳۴].

«کسی که از یاد من غفلت کند و اعراض ورزد همانا برای او زندگی تنگ است و روز قیامت او را در حالی حشر می‌کنیم که کور است.»
روز قیامت این گروه آنچه که در دنیا بدان لذت می‌جستند را فراموش می‌کنند و مومنین راستین نیز مشکلات و زحمات را که به سبب فقر در دنیا متحمل می‌شدند فراموش خواهند کرد.

حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «روز قیامت بنده‌ای که در دنیا در نعمت و ناز بوده یکبار در جهنم غوطه داده می‌شود، سپس از او می‌پرسند: ای فرزند آدم! آیا در دنیا راحتی دیده‌ای؟ آیا بر تو نعمتی عرضه شده؟ می‌گویند: نه، خدا، من هیچ نعمتی در دنیا ندیدم. و فردی در دنیا فقیر و بیچاره بوده او را در بهشت یک دور می‌گردانند پس از او سؤال می‌شود ای فرزند آدم! آیا در دنیا فقر و سختی دیده‌ای؟ می‌گویند: نه بخدا! هیچ سختی و مشکلی ندیدم.» (مسلم)

و خداوند در کلام خود به این گروه اشاره می‌فرماید:

﴿يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي الثَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ۖ خَلِيدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ۖ وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَلِيدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَّجْدُودٍ﴾ [هود: ۱۰۵-۱۰۸]

«آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرا می‌رسد، هیچ کس جز به اجازه‌ی او سخن نمی‌گوید گروهی بدبختند و گروهی خوشبخت* اما آنها که بدبخت شدند در آتشند و برای آنان در آنجا «زفیر» و «شهیق» (ناله‌های طولانی دم و بازدم) است* جاودانه در آن خواهند ماند تا آسمانها و زمین برپاست مگر آنچه خداوند بخواهد. پروردگارت هر چه را بخواهد انجام می‌دهد! *اما آنها که خوشبخت و سعادت‌مند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند تا آسمانها و زمین برپاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی!».

ای برادر مسلمان! راه سعادت و پیروزی برایت مشخص شد و بر تو لازم است که در آن قدم بگذاری و راه‌های دیگر را فراموش کنی.

خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ﴾ [الأنعام: ۱۵۳].

«این است راه مستقیم من، از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه من دور می‌کنند».

معالجه وسوسه‌ها و تردیدها - محبت خدا

جمعی از جوانان از شیخ عبدالعزیز سؤال کردند، که در حال تنگدستی و فقر زندگی می‌کنیم تا آنجا که در وجود خدا و قرآن و پیامبر در دل ما شبهه و شک ایجاد شده و در دل خود قساوت و پرده‌ای که مانع حق شده است را می‌بینیم ... ما را راهنمایی کنید؟

در جواب فرمود: ... در زمان رسول اکرم در بین دوستان پیامبر نیز چنین شك‌هایی به وجود می‌آمد که برخی در مورد پروردگار بود، آنحضرت به آنها سفارش می‌فرمود به این هنگام بگویند: «آمَنْتُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» به خدا پناه ببرند و از این تفکر بیرون شوند و به او از شر شیطان رجیم پناهنده شوند.

و بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

و بر این عقیده باید استوار بود و تکرار «آمَنْتُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» هنگام حضور هر فکر کفر آمیز انشاء الله مفید خواهد شد.

توصیه می‌شود که از ناامیدی از رحمت‌های خدا به سوی رحمت او امیدوار شویم. و کثرت تلاوت قرآن و تفکر در معانی آنها و برگشت به سوی خدا با صدق و رغبت، انسان را به حق راهنمایی و وسوسه‌ها را نابود می‌کند.

و بیشتر از همه سجده در نیمه شب و حسن ظن به پروردگار است. خداوند

می‌فرماید:

﴿فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة: ۱۸۶].

«من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم!». با دوستان خوب رفاقت کن و از دوستی با اشرار دوری کن. آیا انسان به افکار و وسوسه هایی که در مورد توحید و خدا خطور می کند مؤاخذه می شود؟ از آنحضرت ﷺ ثابت است و در کتب صحیحین نیز آمده است، «که خداوند از امت من در گذر شده آنچه را که دل و فکرش خطور می کند تا مادامی که به آن عمل نکرده است و یا سخن نگفته است». صحابه ی کرام از رسول اکرم ﷺ از خطر این نوع وسوسه ها سؤال کردند؟

آنحضرت ﷺ فرمودند: «مردمی هستند که می پرسند این همه را خدا خلق کرده است، پس خدا را چه کسی آفریده؟ کسی که به چنین وسوسه ای گرفتار شد بگوید: «آمَنْتُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ».

و در روایت دیگر آمده: «که به خدا پناه ببرد و از این فکر خود را دور کند». (صحیح مسلم)

اسباب محبت خدا

آیا می‌خواهی خداوند تو را دوست داشته باشد؟

آیا می‌دانی چون خداوند کسی را دوست داشته باشد جبرئیل را فرا می‌خواند و می‌فرماید: «من فلانی را دوست دارم تو نیز او را دوست بدار، جبرئیل او را دوست می‌دارد، سپس در آسمان ندا می‌دهد که خداوند فلان شخص را دوست دارد شما نیز او را دوست داشته باشید پس اهل آسمان او را دوست می‌دارند، سپس او در زمین نیز مقبول واقع می‌شود». (صحیح مسلم)

برای جلب محبت خدا این اعمال ضروری‌اند:

- ۱- انجام دادن نوافل بعد از فرایض.
 - ۲- مداومت بر ذکر خدا در همه حال به زبان و قلب و عمل.
 - ۳- ترجیح دادن آنچه الله می‌پسندد بر آنچه که نفس تقاضا می‌کند.
 - ۴- تدبر قلبی در اسماء و صفات خدا و شناخت آنها.
 - ۵- مشاهده‌ی نعمت‌ها و نیکی و احسان و الطاف خداوند.
 - ۶- خلوت کردن با او در نیمه‌ی آخر شب و مناجات و تلاوت قرآن و حاضر شدن با روح و جان به درگاه او.
 - ۷- مجالست با دوستان صادق.
- دوری از اسبابی که سبب فاصله و دیوار بین خدا و قلب می‌شود.

نعمت‌هایی فراوان و سپاسگذاری از آنها

برادر جوان! خداوند نعمتهای فراوان به تو عنایت کرده است که قابل شمارش نیستند، هر حرکتی نعمت است و هر سکون و هر نفسی که تنفس می‌کنیم و هر طرفه‌العینی نعمت است.

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾ [ابراهیم: ۳۴].

«و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد!»

در مقابل این همه نعمت چه کاری انجام داده‌ای؟

آیا با زبان و قلب از این نعمت‌ها تشکر کرده‌ای؟

آیا آثار آنها بر رفتار و کردارت ظاهر شدند؟

نعمت اسلام

برادر جوان! چگونه می‌توانی شکر نعمت هدایت و اسلام را اداء کنی؟

آیا این از نعمت و احسان خدا نیست که تو را از بهترین مخلوقات و داعی دین خود قرار داد؟

آیا از فضل و احسان خدا نیست که تو را جزء امت نبی خاتم و رسول بزرگوار او قرار گرفتی؟

آیا این از فضل خدا نیست که تو را از افراد امت و دعوت جهانی قرار داد.

﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵].

«و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است».

اگر خداوند تو را یهودی یا نصرانی یا مجوسی خلق می‌کرد چه می‌شد یا اینکه بی‌دین بودی؟ پس خدا را بر آنچه که به تو از نعمت اسلام عنایت کرده است شاکر باش.

نعمت قرآن

قرآن کتابی که خداوند برای هدایت بشریت نازل فرموده و راهنمای رستگاری است، آیا این از فضل و احسان خدا نیست که براحتمی قرآن، این کتاب عظیم در اختیار توست؟ میلیون‌ها انسان هستند که به آسانی و سهولت به تلاوت و درک معانی آن دسترسی ندارد.

نعمت سنت

آیا خدا را بر سنت و راهی که به تو عنایت کرده و تو را از گروه اهل سنت و جماعت قرار داده شاکر بوده‌ای؟ میلیون‌ها نفر هستند که خود را به اسلام نسبت می‌دهند ولی راه را گم کرده اند و عقیده‌ی صحیح را از دست داده اند و مصداق قول پیامبر ﷺ قرار دارند که فرموده است: «امت من هفتاد و دو فرقه می‌شوند که بجز یکی همه در جهنم اند». (اهل سنن)

و گروه پیروز کسانی اند که عامل بر سنت پیامبر ﷺ و اصحاب او هستند.

نعمت عقل

آیا خدا را بر نعمت عقل سپاس گذاری کرده‌ای؟ نعمتی که تو را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند، اگر آن را از تو بگیرد حال تو چگونه خواهد بود که از دیوانگان قرار گیری و بچه‌ها به سوی تو سنگ پرتاب کنند؟

نعمت اعضاء و جوارح

آیا خدا را بر نعمت دست و پا، چشم، گوش، زبان و بینی شاکر بوده‌ای؟ اگر یکی از اینها را از تو بگیرد، مثلاً چشم را که کور شوی و یا گوش را که دیگر نشنوی و یا گنگ شوی و نتوانی راه بروی چه می‌کنی؟

و اعضای دیگری که داخل بدن تو هستند مانند قلب، کبد، ریه‌ها، کلیه‌ها و ... اگر یکی از آنها کم کار شود و تو در معرض نابودی قرار بگیری قدر این نعمت‌ها را می‌دانی.

﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ [الذاریات: ۲۱].

«و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی‌بینید؟!»

نعمت مال

نعمت سرمایه و مال، و نعمت خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، لباس‌ها و مسکن، و هوایی که از آن تنفس می‌کنی، همه اینها نیاز به تشکر و سپاس‌گذاری از خالق دارند، تصور کن یکی از این نعمت‌ها را از تو بگیرند چه احساسی خواهی داشت.

یک جرعه آب مساوی با حکومت هارون الرشید:

روزی ابن سماک بر هارون الرشید وارد شد، هارون پیاله‌ی آب خواست سپس آب سرد و گوارایی برایش آوردند، ابن سماک گفت: ای امیرالمؤمنین! اگر آب را از تو بگیرند و به شدت تشنه باشی این لیوان آب را به چند می‌گیری؟

گفت: به نصف پادشاهی‌ام، گفت: نوش جان بنوش، چون نوشید دوباره پرسید اگر خروج آبی که خوردی ممکن نباشد چقدر هزینه می‌کنی که از بدنت دفع شود؟ گفت نصف دیگر مملکت و پادشاهی‌ام، ابن سماک گفت: پادشاهی که نصف آن یک لیوان آب و نصف دیگر ادرار کردن باشد شایسته نیست که در آن رقابت کرد؟

نماز ستون دین است

برادر جوان! جایگاه نماز در اسلام رفیع است نماز ام العبادات است و بهترین طاعات بعد از شهادتین می باشد و برای حفاظت و ادای آن آیات زیادی از جانب پروردگار نازل شده است:

﴿وَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعَيْنِ﴾ [البقرة: ۴۳].

«و نماز را بپا دارید، و زکات را پردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید)!».

آنحضرت ﷺ در بستر مرگ به ادای نماز توصیه فرمود.

انس رضی الله عنه می فرماید: «بیشترین وصیت پیامبر هنگام موت و سكرات نماز، ادای حقوق زیردستان و کنیزان بود». (ابن ماجه)

علی رضی الله عنه می فرماید: آخرین كلام رسول اکرم ﷺ این بود: «نماز بخوانید و بترسید از حقوق افرادی که زیردست شما هستند». (ابو داوود)

برادر جوان! جایگاه تو در اهمیت دادن به این فرضیه کجاست، آیا بر ادای آن بر موعدهش کوشا هستی؟ چقدر هنگام ادای آن خشوع داری؟

آن را کجا اداء می کنی، آیا در مسجد همراه دیگر مسلمانان با جماعت اداء می کنی؟ آیا نماز بر اخلاق و معاملات تو تأثیر گذاشته است؟

بدان که، نماز اولین گزینه ای است که روز قیامت بنده را از آن سؤال می کنند. آنحضرت ﷺ فرمود: اولین چیزی که روز قیامت از آن محاسبه می کنند نماز است اگر آن مورد پذیرش قرار گیرد دیگر اعمال را می پذیرند و اگر ناقص باشد دیگر اعمال را نیز رد می کنند.

نماز جماعت

نماز در مسجد با جماعت از سنت‌های محبوب است. آنحضرت ﷺ فرمود: «کسی که می‌خواهد روز قیامت در حال مسلمان بودن خدا را ملاقات کند پس بر این نمازهای (فرض) در جایی که مؤذن از آنجا به ادای آن فرا می‌خواند مواظبت کند، خداوند سنت روشن و هادی را به رسولش عنایت فرموده است، اگر شما نماز را در خانه هایتان اداء کنید تارک سنت پیامبر خود هستید و اگر سنت پیامبران را ترک کنید گمراه می‌شوید».

منکراتی که باید از آنها دور جست

برادر جوان! می‌بینیم که بر توبه کردن عزم و اراده‌ی قوی کرده‌ای و با اشک هایت سطر و دفتر پشیمانی را امضاء کردی، پس لازم است که همت و اراده‌ی خود را بالا کنی، تا هر آنچه بر سر راه استقامت تو قرار می‌گیرد را نابود کنی و آنچه که بین تو و سعادت همیشگی ات حائل می‌شود را پشت سر اندازی و به رضایت پروردگار و فلاح و بهشت و نجات از آتش جهنم برسی.

لذا بر تو لازم است که:

- ۱- از ضایع کردن نمازها یا به تأخیر انداختن ادای آن‌ها بر حذر باشی؛ زیرا هر کس نماز را ضایع می‌کند احکام دیگر را به طریق اولی ضایع خواهد کرد.
- ۲- از اینکه رمضان را روزه‌گیری و روزه‌های آن را به خواب و شب‌بیداری و بازی بگذرانی بر حذر باش.
- ۳- اگر توانایی ادای حج را داری درنگ نکن.
- ۴- از دوستی با رفقای بد و دوستان ناباب دوری کن؛ زیرا انسان بر عقیده و دین دوست خود می‌گردد.

- ۵- از گوش دادن به موسیقی دوری کن؛ زیرا بزرگ‌ترین مانع استقامت است و محبت موسیقی نشانه‌ی ضعف ایمان است.
- ۶- عاقل از دود و مواد مخدر دوری می‌کند.
- ۷- شب بیداری بدون ضرورت بدن را ضعیف و باعث قضا شدن نماز صبح می‌شود.
- ۸- از پاستور و ورق بازی و قمار پرهیز کن.
- ۹- از این که وقت خود را به تماشای تلویزیون و فیلم‌های پوچ و بیهوده تلف کنی دوری کن.
- ۱۰- مسافرت کردن بدون ضرورت به کشورهای کفر، باعث انحراف و سستی در عقیده می‌شود.
- ۱۱- از این که به غیر مسلمانان خود را مشابه کنی و مراسمی چون مراسم آنها داشته باشی و لباسی چون آنان بپوشی پرهیز کن.
- ۱۲- از مزاحمت تلفنی برای دیگران پرهیز کن، که این نتیجه‌ی ضعف شخصیت و مرض قلب است.
- ۱۳- بدترین مکان بازار است از رفتن بدون ضرورت به آنجا پرهیز کن.
- ۱۴- بر نعمت‌های خدادادی حفاظت کن، و حفاظت آن‌ها با شکر گزاری ممکن است، ماشین نیز نعمت است خود و آن را با سرعت غیر مجاز نابود مکن.
- ۱۵- استمناء (جلق) دلیل شکست در مقابل شهوت و هوای نفس است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «آنانی که توان ازدواج ندارند پاکدامنی و عفت پیشه کنند تا مادامیکه خداوند از فضل خود آن‌ها را بی‌نیاز کند».
- آنحضرت ﷺ می‌فرماید: «ای جوانان! اگر کسی استطاعت ازدواج دارد پس ازدواج کند؛ زیرا برای حفاظت چشم و پاکدامنی خوب است و کسی که استطاعت ندارد روزه بگیرد روزه برای او سپری قرار می‌گیرد». (متفق علیه)

۱۶- از نافرمانی والدین دوری کنید؛ زیرا رضای خداوند در رضایت والدین است.

۱۷- از قطع صله‌ی رحم پرهیز کنید؛ زیرا قاطع صله‌ی رحم به جنت نمی‌رود.

۱۸- از دروغ پرهیز کنید؛ زیرا دروغ انسان را به فجور سوق می‌دهد و فجور انسان را به جهنم.

۱۹- از حسد دوری کنید؛ زیرا نوعی بی‌ادبی و اعتراض به تقسیم خداست. در پایان از خدا می‌خواهم که من و تو را استقامت در دین عنایت کند و گناهان ما را ببخشد و بر ما رجوع کند و هدایت و راهنمایی‌مان نماید که توبه کنیم و اعمال اندک ما را بپذیرد و درجات ما را رفیع بگرداند و از بندگان نصیحت‌پذیر قرارمان دهد.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وأصحابه اجمعین

این بود ترجمه‌ی گزینشی از کتاب «مهلا یا شباب» امیدوارم که مورد رضای پروردگار قرار بگیرد.